

واکاوی فقهی در ملاک تعیین مقدار نفقه و مصادیق آن با نگاه تطبیقی بر آرای فقهای اسلامی^۱

فاطمه کاظم‌پور فرد^۲

مهسا جمشیدی شه‌میری^۳

چکیده

در نظام حقوقی اسلام، به منظور استحکام نظام خانواده، حقوق و وظایفی متوجه طرفین عقد نکاح می‌باشد. یکی از این حقوق، حق نفقه زن است که مرد مکلف به پرداخت آن است و صراحت آیات و روایات به این مطلب دلالت می‌کند. همه فقهای اسلامی در اصل نفقه اتفاق نظر دارند؛ اما در مورد ملاک تعیین و مقدار آن اختلاف آرا وجود دارد.

این نوشتار به واکاوی تطبیقی آرای فقهای امامیه و اهل تسنن می‌پردازد و در پی پاسخگویی به این سؤال است که ملاک و معیار تعیین مقدار نفقه در آرای فقهای اسلامی چیست و نفقه شامل کدام دسته از مایحتاج زن می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در خصوص ملاک پرداخت نفقه دو قول موجود است: گروهی ملاک پرداخت نفقه را به میزان تمکن مالی مرد و شأن زوج می‌دانند که این نظر شیخ طوسی و فقهای اهل تسنن است و گروهی ملاک پرداخت نفقه را رعایت شأن زن می‌دانند که نظر صاحب جواهر و فقهای متقدم است. در مورد مصادیق نفقه به خصوص هزینه درمان هم نظرات فقها واحد نیست؛ گروه اول هزینه درمان را جزء مصادیق واجب نفقه زوجه نمی‌دانند؛ فقهای متأخر شیعی از گروه دوم، نکر مصادیق نفقه در روایات را به عدم انحصار حمل نموده‌اند و تأمین کلیه نیازهای زوجه را بر عهده مرد واجب می‌دانند.

واژگان کلیدی

نفقه، ملاک تعیین، موسر، معسر، معاشرت معروف، هزینه درمان، نیاز زوجه

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۸/۲۲؛ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۱/۲۲

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق 7

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه شهید مطهری

مقدمه

استحکام نظام خانواده با حقوق و وظایف متقابل طرفین عقد نکاح ارتباط مستقیم دارد و نظام حقوقی اسلام در احکام فقهی خود این حقوق را مورد توجه خاص قرار داده است. حق نفقه زوجه از جمله حقوقی است که قرآن به دلیل اهمیت ویژه‌ای که برای زن قائل است، آن را مانند سایر احکام کلی و مسائل اساسی و اعتقادی اسلام در زمره نصوصی قرار داده است که از زبان وحی مطرح می‌شود. صراحت این آیات به حدی است که مذاهب گوناگون اسلام در مسائل متعددی بحث و اختلاف نظر دارند، در حق نفقه و بسیاری از مصادیق آن دچار اختلاف نشده‌اند.

مؤید آیات، نیز روایات صریحی است که مصادیق نفقه را ذکر می‌کنند و فقها در این موارد دارای اتفاق نظرند. تنها اختلاف نظر فقها به اقتضای شرایط در زمان‌های مختلف است که زن بدان‌ها نیازمند است و به صراحت در روایات مذکور نیست.

وجه تمایز دیدگاه اهل تسنن با فقهای شیعی مبتنی بر نگرش خاصی است که به زن و جایگاه او دارند. فقهای اهل سنت حق مالی و مصادیق واجب‌النفقة را در حد مضیق و تنگ‌نظری تنها اکتفا به موارد ذکر شده در روایات می‌نمایند و درصدد تبیین ملاکات در روایات نمی‌باشند.

اما فقهای شیعه غالباً حقوق مالی و تأمین نیازهای زن را متناسب با شرایط خاص او را بیان می‌دارند، البته باید توجه داشت که رابطه زوجین محدود به حقوق و تکالیف مادی نیست و بسیاری از حقوق و تکالیف جنبه روحانی و معنوی دارد و از آن‌ها به عنوان حقوق معنوی زوجین تعبیر می‌شود و مانند حقوق و تکالیف مادی لازم الاجراست. حقوق و تکالیف زوجین در خانواده عیناً شبیه هم نیست و اسلام بار مسئولیتی متفاوت بر دوش هر یک از زوجین گذاشته است، اما این تفاوت به معنی تبعیض یا برتری جنس هم نیست و با توجه به تفاوت‌های روحی و جسمی و عاطفی زن و مرد تدوین شده است که عمل به آن‌ها موجب امنیت و آرامش زن و مرد و در نتیجه استحکام نظام خانواده می‌شود.

مفهوم نفقه

نفقه از ریشه نفق (بر وزن فرس) به معنی خروج و تمام شدن است و «نفقه چیزی است که خرج و مصرف می‌شود» (قرشی، ۱۴۱۲ هـ ج ۷، ص ۹۸).

در اصطلاح فقه، مفهوم نفقه جدا از مفهوم لغوی آن نیست و بر مالی اطلاق می‌شود که انسان موظف است در زندگی خود آن را خرج کند.

به طور کلی دو نوع نفقه وجود دارد (فراهیدی، ۱۴۱۰ هـ ج ۵، ص ۱۷۷):

• نفقه‌ای که واجب است انسان برای خودش خرج کند تا بتواند به زندگی مادی‌اش ادامه دهد و اصطلاحاً به آن نفقه لنگسه می‌گویند.

• نفقه‌ای که بر انسان واجب است تا برای زندگی دیگران خرج کند و اصطلاحاً به آن نفقه لغیره می‌گویند و اسباب وجوب آن سه چیز است:

الف- قرابت: مانند نفقه‌ای که انسان باید صرف فرزندان صغیر یا پدر و مادر خود کند. شرط وجوب نفقه پدر و مادر یا فرزندان غیر صغیر، عدم استطاعت مالی آن‌هاست.

ب- ملکیت: نفقه‌ای که مالک باید صرف مملوک خود کند، مثل مخارجی که مالک حیوان صرف آن می‌کند.

ج- ازدواج: یعنی نفقه‌ای که مرد باید به همسرش بپردازد (حلی، ۱۴۰۸ هـ ج ۲، ص ۲۹۱).

البته در فقه، اطلاق نفقه بر نوع اول متداول نیست و معمولاً لفظ نفقه همیشه بر نفقه لغیره دلالت می‌کند و قسم سوم همین نوع نفقه یعنی نفقه ازدواج هم مورد بحث ما می‌باشد.

دلایل وجوب نفقه

عمده دلیل فقها در اثبات وجوب نفقه، آیات و روایات است:

«الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْزَلْنَا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»^۲

در این آیه شریفه دو مطلب وجود دارد که وجوب نفقه زنان را می‌رساند:

۱- نیز بنگرید به: مهیار، بی‌تا، ص ۹۲۸؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ هـ ص ۸۲.

۲- مردان بر زنان قیومت و سرپرستی دارند به خاطر این‌که خدا برخی را بر برخی برتری داده و به خاطر این‌که مردان از مال خود نفقه زنان را می‌دهند (نسا، ۳۴).

اول کلمه «قوامون» که در لسان عرب به فردی اطلاق می‌شود که متکفل امور دیگری در نفقه، کسوه و امثالهم باشد. آیه در مقام بیان قیومیت مردان در برابر زنان است و این جمله خبری حاکی از اصلی است که در تکوین وجود دارد و در تشریح هم باید لحاظ شود.

مطلب دوم، امر به پرداخت نفقه است که در قالب یک جمله خبری مطرح شده است؛ یعنی عبارت «و بما انفقوا من اموالهم». در فقه، امر در سیاق جمله خبری بالاترین درجه امر است، زیرا گویی شارع مقدس وقوع این امر را مفروض دانسته است. علاوه بر این آیه، آیات دیگری هم مورد استناد فقها در اثبات وجوب نفقه قرار گرفته است، مانند آیات ۳ و ۱۹ سوره نساء، آیات ۲۲۳ و ۲۲۹ سوره بقره و آیه ۷ سوره طلاق. روایاتی^۱ هم صراحتاً وجوب نفقه را بیان می‌کنند:

«از محمد بن مسلم از ابی عبدالله علیه السلام: به امام گفتم مرد ملزم به پرداخت نفقه چه افرادی از خویشاوندانش است؟ امام فرمود: پدر و مادر، فرزند و همسر» (کلبینی، ۱۴۰۷ هـ، ج ۴، ص ۱۳).

ملاک تعیین مقدار نفقه

وقتی از ملاک تعیین نفقه صحبت می‌شود، منظور این است که در تعیین مقدار نفقه زن، آیا به وضعیت مالی شوهرش توجه می‌شود یا ملاک و معیار شأن اقتصادی زن است؟ مثلاً اگر دختر فقیری با مرد ثروتمندی ازدواج کند، آیا چون زوج ثروتمند است، باید نفقه زنان ثروتمند را برای زن در نظر گرفت؟ یا آنچه اهمیت دارد، وضعیت زوج است و هر چند زوج ثروتمند است، اما اگر زوج از خانواده فقیری باشد و در خانه پدری در حد فقرا زندگی کند، نفقه‌ای که بر همسر واجب می‌شود همان نفقه زنان فقیر است و اگر شوهر زندگی مرفهی برای همسر فقیرش فراهم کند از باب عمل به اخلاق است، نه عمل به وظیفه؟

۱- بنگرید به: من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۱؛ الوافی، ج ۱۰، ص ۴۴۵؛ وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۵۲۶؛ مرآة العقول فی شرح اخبار آل رسول، ج ۱۶، ص ۱۲۹.

همچنین اگر زن از خانواده‌ای ثروتمند و مرد از خانواده فقیری باشد، آیا مرد باید نفقه فقیرانه به زنش بپردازد یا باید او را ملزم به نفقه زنان ثروتمند کرد؟
فقه‌های مذاهب خمس^۱ در حالی که زن و شوهر هر دو فقیر یا هر دو ثروتمند باشند، هیچ اختلاف نظری ندارند؛ زیرا با توجه به تساوی شرایط طرفین، در تعیین مقدار نفقه اختلافی رخ نخواهد داد؛ اگر هر دو فقیر باشند، مقدار نفقه با توجه به فقر آنها تعیین می‌شود و اگر هر دو ثروتمند باشند، با توجه به ثروت آنها. همین‌طور است اگر هر دو از نظر مالی جزء طبقه متوسط جامعه باشند. اما در پاسخ به این سؤال، اختلاف نظرهایی میان فقها وجود دارد که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود:

آرا فقهای امامیه درباره ملاک و ضابطه نفقه

در فقه امامیه دو نظر در پاسخ به این سؤال یافت می‌شود: نظر مشهور و نظر غیرمشهور.

۱- نظر مشهور فقهای امامیه

نظر مشهور بر این است که ملاک، وضعیت و حال زوجه است و باید با توجه به زندگی زنان امثال او در آن شهر و سرزمین، نفقه او را تعیین کرد.

شهید ثانی ملاک نفقه را حال زوجه می‌داند:

«ضابطه مقدار نفقه، قیام به مایحتاج زن است... با در نظر گرفتن عرف زنان همسان او در آن سرزمین» (جبعی عاملی، ۱۴۱۳ هـ.ج، ص ۴۵۵).

فیض کاشانی می‌گوید: «قول مشهور آن است که ملاک تعیین نفقه، برآورده شدن مایحتاج زن از غذا، روغن، لباس، خانه، خادم و وسایل نظافت و چرب کردن پوست بر اساس عادت زنان مانند او در سرزمینش از حیث جنس و مقدار است؛ زیرا معاشرت به معروف و انفاق به معروف دلالت بر این مطلب دارد» (فیض کاشانی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۹۸).

صاحب جواهر از بزرگترین فقهای شیعه هم همین مضمون را دارد (نجفی، بی‌تا، ج ۳۱، ص ۳۳۱).

۱- منظور از مذاهب خمس، مذهب امامیه در کنار چهار مذهب اهل سنت، یعنی حنفی، حنبلی، شافعی و مالکی است.

پس قول مشهور در مقدار نفقه، بر اساس نیازهای زن در زمینه خوراک و پوشاک و نظایر آن است، با توجه به عادت و عرف زن مانند او در سرزمین وی.

امام خمینی (ره) هم در این مورد می‌فرماید: «نفقه از نظر شرعی مقدار معین ندارد، بلکه ضابطه برآوردن نیازهای زن است . . . و عرف زنان مانند او در آن سرزمین باید رعایت شود» (موسوی خمینی، بی‌تا، ج ۲، ص ۳۱۶).

بر این اساس اگر سؤال شود که آیا مرد موظف است برای زن خدمتکار بیاورد یا نه، بنا به نظر مشهور فقها، باید به موقعیت زن توجه کرد؛ اگر او عادت داشته به خادم داشتن، مرد هم موظف است برای او خدمتکاری استخدام کند. هم‌چنان که محقق حلی چنین حکمی داده است: «در مورد خادم گرفتن، عادت زن ملاک است؛ اگر از زنانی بوده که خادم دارند، خادم گرفتن، بر مرد واجب است» (حلی، ۱۴۰۱ هـ، ج ۲، ص ۲۹۴).

دلیل این گروه هم مفهوم و دلالت «معاشرت به معروف» و «انفاق به معروف» است که قرآن کریم به آن امر فرموده است. مثلاً در آیه ۱۹ سوره نسا، خداوند خطاب به مردان می‌فرماید:

«و عاشروهن بالمعروف» یعنی با زنانتان به نیکی رفتار کنید. لازمه رعایت معروف در رفتار با زنان، توجه به موقعیت اقتصادی آن‌ها و پرداخت نفقه در شأن ایشان است.

۲- نظر غیرمشهور فقهای امامیه

گروه دوم از فقهای امامیه، معتقدند در تعیین نفقه باید وضعیت زوج را ملاک قرار داد. لذا اگر زوجه از خانواده غنی و زوج فقیر باشد، نفقه‌ای در حد زندگی فقرا برای زوجه در نظر گرفته می‌شود.

فیض کاشانی، بعد از نقل نظر مشهور فقها به نظر این گروه اشاره می‌کند: «قول ضعیفی در میان فقها وجود دارد که در نظر گرفتن موقعیت زوج برای تقدیر نفقه را محتمل می‌دانند و استدلال آن‌ها به آیه ۷ سوره طلاق است که می‌فرماید: باید آن‌که توانگر است نفقه همسر مطلقه‌اش را که به فرزند او شیر می‌دهد توسعه بخشد و آن‌که روزی بر او تنگ شده است باید در حدی که خدا به او نعمت داده است نفقه دهد. خدا هیچ

کس را جز به آن مقدار که به او داده است تکلیف نمی‌کند. دیری نخواهد گذشت که خدا پس از سختی آسانی پدید آورد» (فیض کاشانی، بی تا، ج ۲، ص ۲۹۹).

شیخ طوسی هم از فقهای است که این قول را ترجیح می‌دهد: «نفقة زوجه با در نظر گرفتن وضعیت زوج تعیین می‌شود نه وضعیت و موقعیت زن» (طوسی، ۱۲۸۷ هـ، ج ۶، ص ۷).

آراء فقهای اهل سنت در مورد ملاک و ضابطه نفقه

در میان فقهای مذاهب چهارگانه اهل سنت، دو دیدگاه وجود دارد:

۱- نظر مذاهب حنفی و شافعی

یکی از اقوالی که از فقهای حنفی نقل شده است^۱ و همچنین نظر فقهای شافعی مانند گروه دوم فقهای شیعه است که معتقدند ملاک در نفقه حال زوج است.

از حنفی نقل شده است: «النفقة تعتبر بحاله» (صاغرچی، ۱۴۲۶ هـ، ج ۲، ص ۲۱۶).

ضمیر «ه» در لفظ «بحاله» مذکر است و دال بر این است که در تعیین نفقه، وضعیت مالی زوج معتبر است.

از شافعی هم این‌گونه نقل شده است که: «مقدار و نوع نفقه با تغییر حال زوج از نظر فقر و غنا تغییر می‌کند» (بغاء، ۱۴۲۱ هـ، ج ۲، ص ۱۷۴). به همین دلیل هم در قوانین مصر، ماده ۱۶ شماره ۲۵ سال ۱۹۲۰ اصلاح شده طی قانون شماره ۱۰۰ سال ۱۹۸۵ آمده است که تعیین مقدار نفقه با معتبر دانستن وضعیت زوج از جهت فقر یا تنگدستی می‌باشد (مغنیه، ۱۴۲۱ هـ، ج ۲، ص ۳۹۳). البته با این تفاوت نسبت به نظر فقهای اهل سنت که، در صورت تنگدستی زوج، نفقه نباید از نیازهای ضروری زوج کمتر باشد^۲.

استدلال این گروه مانند گروه دوم فقهای شیعه به آیه ۷ سوره طلاق و خصوصاً این عبارت آیه است که می‌فرماید: «لا یكلف الله نفساً الا ما آتاها». آیه شریفه در مقام بیان حکم

۱- قول دوم حنفی در ادامه بحث خواهد آمد.

۲- من القانون ۲۵ لسنة ۱۹۲۰ المستبدلین بالقانون رقم ۱۰۰ لسنة ۱۹۸۵ من أنه تجب النفقة للزوجة علی زوجها من تاریخ العقد الصحیح إذا سلمت نفسها إليه... وتقدر النفقة بحسب حال الزوج وقت استحقاقها یسراً أو عسراً علی ألا تقل النفقة فی حالة العسر عن القدر الذی یفی بحاجتها الضرورية.

<http://www.aproarab.org/Down/Egypt>

عامی است و ملزم نکردن مرد به پرداخت نفقه‌ای که فوق توان مادی اوست، تحت همین حکم عام قرار می‌گیرد، لذا اگر زنی ثروتمند باشد و همسرش فقیر، نمی‌توان شوهر را ملزم به نفقه زنان ثروتمند کرد.

اما این استدلال قابل خدشه است؛ زیرا در تفسیر «لا یکلف الله نفسا الا ما آتاها»^۱ احتمال دیگری نیز وجود دارد که شاید بتوان گفت در مقایسه با این تفسیر قوی‌تر باشد و آن این است که می‌توان این عبارت را حمل بر زمان حال کرد، به این صورت که ملاک وجوب نفقه و مقدار آن، وضعیت زن است، اما اگر به هر دلیلی مرد دچار اعسار شود، به همان اندازه که در وسعش باشد، باید نفقه زن را پرداخت کند، مابقی به عنوان دینی بر ذمه مرد باقی می‌ماند و هر وقت قادر به ادای آن دین شود، قرض خود را به زوجه می‌پردازد. شاید به همین دلیل است که در ادامه آیه می‌فرماید: «سيجعل الله بعد عسر يسرا» (حلی، ۱۴۲۵هـ، ج ۲، ص ۲۲۰).

۲- نظر مذاهب مالکی و حنبلی

این دو مذهب معتقدند مقدار نفقه باید با در نظر گرفتن شرایط و وضعیت طرفین عقد معین شود، نه با ملاک قرار دادن حال زوج یا زوجه به تنهایی. لذا بر این اساس، اگر یکی از زوجین فقیر و دیگری ثروتمند باشد، حد وسطی از نفقه را برای زوجه در نظر گرفت.

در کتب فقهی حنابله آمده است: «اگر زوجه ثروتمند و زوج فقیر باشد یا بالعکس، یعنی زوج ثروتمند و زوجه فقیر باشد، ملاک تعیین نفقه مابین حالت فقر و ثروت است» (ابن بلبان، ۱۴۲۱هـ، ص ۲۴۰).

در کتب فقهی مذهب مالکی هم همین قول آمده است: «در تعیین نفقه حال زوج به تنهایی ملاک نیست؛ بلکه باید وضعیت زوج و زوجه با هم لحاظ شود»^۲ (الشفقه، ۱۴۲۲هـ، ج ۳، ص ۶۵۰).

۱- همانجا

۲- «لا یعتبر فیها حال الزوج وحده خلافا لمن قال بذلک و انما الاعتبار بالنفقه بحال الزوجین معا».

البته همان‌طور که ذکر شد، از مذهب حنفی دو قول در این باره نقل شده است، و قول دوم آن‌ها موافق با نظر مالکی و حنبلی است.^۱

نکته جالب این است که این گروه هم برای اثبات نظر خود، به کلمه معروف که در آیات قرآن درباره معاشرت با زنان و نفقه آن‌ها آمده است، استناد می‌کنند و معتقدند پرداخت نفقه به معروف یعنی در پرداخت نفقه باید به حد وسط وضعیت زوجین مراجعه کرد، این در حالی است که فقهای امامیه «معروف» را حمل بر عرف زنان همسان زوج در آن سرزمین می‌کنند. نظر دوم موجه‌تر است؛ زیرا عرف در موقعیت‌های مختلف متفاوت است و چه بسا در یک شهر میان طبقات مختلف جامعه، مقتضیات عرف بسیار متفاوت باشد؛ پس نمی‌توان همیشه عرف را به معنای حد وسط دانست. تفسیر عرف، تفسیری است که به اوضاع و احوال بستگی دارد و ملاک نوعی نمی‌توان برای آن ارائه داد.

نکته دیگری که باید در پایان این بخش یادآوری شود، این است که در میان مذاهب پنج‌گانه، تنها شیخ طوسی از فقهای امامیه در کتاب خلاف نفقه زوج را یک مد طعام تعیین کرده است؛ و در کتاب مبسوط معتقد است هنگامی که زوج موسر باشد، مقدار نفقه خوراک در هر روز دو مد طعام است و اگر معسر و تنگدست باشد، مقدار یک مد طعام است و در حالت متوسط یک مد و نیم باید بپردازد. از فقهای اهل تسنن نیز تنها شافعی معتقد است که مقدار نفقه زن در شرع مقدس دقیقاً معین شده است. گفتیم شافعی مقدار نفقه زن را با توجه به موقعیت مالی مرد تعیین می‌کند. از نظر وی زوج در این سه رتبه اقتصادی ممکن است قرار داشته باشد:

الف- درجه یسر یا همان فراخی معیشت

ب- درجه توسط

ج- درجه فقر

با توجه به رتبه اقتصادی که دارد، فقه شافعی هزینه معینی را بر دوش او قرار می‌دهد: «نفقه زنان سه قسم است و ملاک آن، وضعیت زوج است: اگر موسر باشد دو مد، اگر متوسط باشد، ۱/۵ مد و اگر معسر باشد، یک مد» (طوسی، ۱۴۰۷ هـ ج ۵، ص ۱۱۳).

۱- «و للحنفیه قولان احدهما اعتبار حال الزوجین» (مغنیه، ۱۴۳۱ هـ ج ۲، ص ۳۹۲)

مصادیق نفقه

در مورد برخی از مصادیق نفقه میان مذاهب اهل سنت و امامیه هیچ‌گونه اختلاف نظری وجود ندارد، مثلاً در مورد خوراک، پوشاک و مسکن هیچ فقیهی را نمی‌یابیم که در وجوب آن‌ها شک کرده باشد. مصادیقی که در اکثر کتب فقهی برای نفقه ذکر شده است خوراک، پوشاک، مسکن، ملحفه و فراش، خادم و لوازم نظافت است.

اما در غیر این موارد، اختلاف‌نظرهای عمیقی بین مذاهب دیده می‌شود که گاهی درباره اموری است که حیات زن به آن وابسته می‌باشد. به عنوان مثال، در مورد هزینه درمان زن، اختلاف نظرهای زیادی بین فقها وجود دارد، برخی آن را مطلقاً واجب دانسته‌اند، برخی مطلقاً واجب ندانسته‌اند و برخی هم با شرایطی واجب دانسته‌اند. در این بخش، از اختلاف نظرهای جزئی که درباره مصادیق نفقه وجود دارد، چشم‌پوشی می‌کنیم و به ذکر مهم‌ترین آن‌ها یعنی نفقه درمان بیماری زن در مذاهب شیعه و اهل سنت می‌پردازیم:

آرای فقهای امامیه درباره هزینه درمان

شیخ طوسی از بزرگترین فقهای امامیه تصریح کرده است که در هنگام بیماری زن، هزینه دارو و درمان بر مرد واجب نیست: «اجرت طبیب و حجامت و هزینه درمان بر عهده مرد نیست» (طوسی، ۱۳۸۷ هـ.ج، ج ۶، ص ۸).

اما وی در همین کتاب و اندکی پیش از این صفحات حکم داده است که اگر عرف، خادم گرفتن برای زوجه بیمار را ضروری تشخیص بدهد، بر مرد واجب است که برای همسر بیمارش خادم بگیرد، ولو این‌که به حکم عرف، خادم گرفتن برای آن زن در زمان صحت، واجب نباشد (طوسی، ۱۳۸۷ هـ.ج، ج ۶، ص ۵).

سؤالی که در این‌جا به ذهن خطور می‌کند، این است که چرا خادم گرفتن برای زن بیمار بر مرد واجب دانسته شده است، اما هزینه درمان نه؟ آیا از نظر منطقی پرداخت هزینه درمان مهم‌تر از خادم گرفتن برای زن بیمار نیست؟ به نظر می‌رسد، پرداخت هزینه‌های درمان زن، مهم‌تر از خادم گرفتن است و وقتی خادم گرفتن را برخی از فقها به

صراحت واجب دانسته‌اند، پرداخت هزینه‌های درمان به طریق اولی باید واجب باشد. صاحب جواهر با اشاره به اقوال ظاهراً متعارض در این زمینه، بعد از اشاره به اموری که به عنوان مصادیق نفقه واجب در کتب فقهی آمده است، تعیین این مصادیق را خالی از تشویش نمی‌داند و رجوع به عرف را در تعیین مصادیق نفقه ترجیح می‌دهد. به نظر وی ذکر موارد خاصی در کتب فقهی به عنوان مصادیق نفقه، در فقه شیعه جایگاه معتبری ندارد و تنها به تقلید از فقه اهل سنت است که برخی فقها این مصادیق را بر شمرده‌اند (نجفی، بی‌تا، ج ۳۱، ص ۳۳۷).

وی همچنین با طرح ضابطه کلی، موارد استثنا شده در کلام فقها را نمی‌پذیرد و می‌گوید اگر ملاک و دلیل در مقدار نفقه معاشرت به نحو پسندیده و معروف (عاشروهن بالمعروف) و اطلاق دلیل انفاق باشد، صحیح این است که تمامی موارد (حتی هزینه دارو و معالجه و اجرت حمام و حجامت) واجب شود؛ بلکه چیزهای دیگری هم که محدود و محصور نیست. پس صحیح این است که همه موارد نفقه را به شأن همسری و انفاق شوهران به زنانشان مربوط دانست که به طور معمول صورت می‌گیرد، نه به شدت دوست داشتن همسر و اموری از این قبیل.

این امر با مراعات شأن زن و مکان و زمان و مانند آن صورت می‌پذیرد و در صورت اختلاف و نزاع آنچه حاکم شرع برای رفع خصومت تعیین کند، پذیرفته خواهد شد. والا برای آنچه که از فقهای پیشین شیعه شنیده‌ایم نه اثباتاً و نه نفیاً دلیل خاصی که بتوان به آن اعتنا کرد، وجود ندارد (مشکوه، ۱۳۸۳، ص ۳۹).

در عبارتهای فقهی صراحتاً به هزینه‌های خارجی و مخارجی غیر از هزینه‌های عادی و معمول زن اشاره نشده است، اما از عبارات مرحوم صاحب جواهر چند نکته برداشت می‌شود:

- ۱- مصادیق نفقه با رجوع به عرف تعیین می‌شود.
- ۲- جمیع نیازهای زن مطابق با شأن او جزء مصادیق نفقه واجب است.
- ۳- اگر مصادیق نفقه جمیع مایحتاج زن باشد، استثناء هزینه درمان و هزینه‌های مطابق با شؤون و نیازهای زن وجهی ندارد.
- ۴- با توجه به عبارات صاحب جواهر می‌توان مسأله رعایت زن و شؤون وی را نیز

ملاحظه کرد، حتی اگر شوون زن به لحاظ موقعیت زمان تغییر کرده باشد؛ زیرا زمان و مکان در موقعیت اجتماعی و حال زن تأثیر دارد، مثلاً زنان در زمان حال نیازهای علمی جدیدی پیدا کرده‌اند مثل تحصیل، کتاب، تلفن و دسترسی به سایت‌های اطلاع‌رسانی، با توجه به عبارت «زمان و مکان» در کلام صاحب جواهر، این‌ها از مصادیق نفقه واجب خواهند بود؛ زیرا تعیین مصداق نفقه به عرف واگذار شده است و امروزه در بسیاری از نقاط جهان عرف حکم می‌کند که پیشرفت علمی یکی از حقوق و نیازهای ضروری زن است و اگر زنی تمایل به پیشرفت علمی و تحصیلی داشته باشد و این درخواست او توسط عرف تأیید شود، تأمین هزینه‌های آن بر زوج واجب می‌گردد.

۵- حتی اگر نیازهای زن متناسب با شرایط زمان و مکان متفاوت باشد، تأمین نیازهای او نیز از مصادیق نفقه محسوب می‌شود، مثلاً زنی که در اوایل ازدواج به دلایل مختلف نتوانسته تحصیل کند، ولی پس از فراغت از بچه‌داری و ... به تحصیل مشغول شده است و الان به مصادیق دیگری از قبیل شهریه تحصیل و شبکه‌های اطلاع‌رسانی نیاز دارد؛ این‌ها را می‌توان جزء نفقه واجب او شمرد. از عبارت «غیر ذلک» مرحوم امام خمینی (ره) نیز چنین مفهومی استفاده می‌شود.

پس به نظر صاحب جواهر اگر ملاک تعیین مصادیق نفقه، نیاز زن باشد، استثنا کردن دوا و سرمه و ... درست نیست و اگر مصادیق نفقه را صرفاً لباس و خوراک و مسکن بدانیم، واجب دانستن خادم و فراش و ... جایگاهی ندارد. وی بهترین راه را ملاک قرار دادن عرف می‌داند؛ یعنی از آن‌جا که آیه قرآن می‌فرماید «و عاشروهن بالمعروف»، هر چه مصداق معاشرت به معروف باشد، فراهم کردن آن بر مرد واجب می‌گردد. لذا نمی‌توان برای نفقه مصادیقی را حصراً بیان کرد؛ با توجه به زمان و مکان و شأن زن، مصادیق نفقه متفاوت است. آنچه که در کتب مشهور و معظم فقهاء امامیه یافت می‌شود، رجوع به عرف در تعیین مصادیق نفقه است و به همین دلیل حضرت امام خمینی (ره) وقتی در مورد مقدار و مصادیق نفقه فتوا می‌دهد، در پایان حکم با قید «غیر ذلک» این مفهوم را می‌رساند که اموری که در مورد نفقه ذکر شد، در واقع از باب تمثیل است نه این‌که موارد نفقه تنها در همین‌ها محصور باشد.

«از نظر شرعی نفقه مقدار خاصی ندارد، بلکه ملاک برآورده کردن کلیه ما یحتاج زن است، از قبیل خوراک، پوشاک، فرش و پتو، مسکن، خادم و وسایلی که برای نوشیدن و خوردن و نظافت و غیر آن است» (موسوی خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۲۱۶).

برخی از فقها حتی نیاز به دارو و پزشک را مهم‌تر از نیاز به لباس و مسکن و خادم و لوازم آرایش می‌دانند و از وجوب این‌ها بر زمه مرد نتیجه می‌گیرند که نفقه درمان به طریق اولی باید واجب باشد: «گفتیم که مرجع در تعیین نفقه عرف است و شکی نیست که هر چه زن به آن نیاز دارد، در نگاه عرف، نفقه به حساب می‌آید و نیاز به دارو و پزشک شدیدتر و مهم‌تر از نیاز به طعام و لباس و خانه و خادم و . . . است و وقتی این‌ها واجب باشند، به طریق اولی هزینه دارو و پزشک هم باید واجب باشد» (مغنیه، ۱۴۲۱ هـ ج ۵، ص ۳۱۴).

لذا درباره نفقه درمان زن، باید به عرف مراجعه کرد، اگر از نظر عرف مردم، مرد موظف به پرداخت هزینه همسرش باشد، قانون هم او را موظف به پرداخت می‌کند و اگر عرف معتقد باشد که تحمل هزینه‌های درمان زن، دور از انصاف است و امیدی به بهبود زن نیست و تنها موجب نابودی زندگی مادی مرد می‌شود، نمی‌توان او را ملزم به پرداخت نفقه درمان زن کرد. در این حالت مرد می‌تواند از باب عمل به اخلاق و وجدان هزینه درمان زن را به گردن گیرد. پس می‌توان گفت: «عرف تعیین‌کننده ماهیت نفقه است؛ زیرا هر گاه در شرع واژه‌ای تعریف نشده باشد و حقیقت شرعی هم برای آن وجود نداشته باشد، تعریف آن واژه به عرف واگذار می‌شود. بنابراین، شرع در تعیین محدوده نفقه به عرف تکیه کرده است و هر چه مردم در نفقه لازم می‌دانند، جزو نفقه به حساب می‌آید. اگر هم در بعضی روایات، حدودی ذکر شده، منظور بیان چیزی است که در بین مردم آن زمان معمول بوده است» (ابن‌تراب، ۱۳۸۷، ص ۲۷). البته در فقه شیعه در کنار این نگاه که عرف را ملاک قرار دهد، برخی صراحتاً نفقه درمان زن را واجب دانسته‌اند و میزان و کیفیت آن را محدود به عرف نکرده‌اند: «نفقه زن بر همسرش واجب است و آن عبارت است از غذا، لباس، مسکن، فرش و پتو، وسایل نظافت و سایر وسائلی که زن به آن نیاز دارد به حسب حالش؛ و دوا و اجرت طبیب هم از آن قبیل است» (طباطبایی حکیم، ۱۴۱۰ هـ ج ۲، ص ۳۰۴).

آیت الله خویی هم می‌فرماید: «ظاهر این است که نفقه واجب بر زوج، اجرت حمام در

زمان نیاز زن به تنظیف است... و اجرت طبیب هم هنگام نیاز زن واجب است» (موسوی خویی، ۱۴۱۰ هـ ج ۲، ص ۲۸۸).

آرای فقهای اهل سنت درباره هزینه درمان

از میان چهار مذهب فقه اهل سنت، سه مذهب شافعی، حنفی و حنبلی صراحتاً به عدم وجوب نفقه درمان زن حکم کرده‌اند.

حنابله صراحتاً می‌گویند: «بر زوج واجب است هزینه آلات نظافت زن را بپردازد، اما هزینه دوا و پزشک بر او واجب نیست» (ابن بلبان، ۱۴۲۱ هـ ص ۲۴۰).

حنفی هم مخارج درمان زوجه را بر زوج واجب نمی‌داند و معتقد است در صورت غنی بودن زوجه، هزینه‌های درمان باید از مال او پرداخت شود (شبلی، ۱۳۹۳ هـ ص ۴۲۴).

در کتب فقه مقارن هم از شافعی در مورد مصادیق نفقه زوجه این‌گونه نقل شده است: «دوای بیماری و اجرت طبیب و حجامت و مثل آن واجب نیست»^۱ (الجزیری، ۱۴۱۹ هـ ج ۴، ص ۶۶۶).

مرور تطبیقی آرای فقهای اسلامی درباره مصادیق نفقه

از بین آرا و نظریات فقها شیعه به سه نظر می‌توان اشاره کرد:

۱- نفقه واجب زن فقط شامل مصادیق ذکر شده از قبیل غذا، مسکن و لباس می‌باشد که قول شیخ طوسی است.

۲- تعیین مصادیق نفقه زن با رجوع به عرف تعیین می‌گردد که از کلام صاحب جواهر قابل استنتاج است.

۳- مصادیق نفقه زن حتی دوا، هزینه‌های درمان را نیز شامل می‌شود که نظر آیت الله خوئی است و از عبارت «غیر ذلک» امام خمینی می‌توان برداشت کرد که موارد مذکور از باب تمثیل است نه انحصار.

در باب وجوب نفقه درمان زن و تقریباً اجماع فقهای اهل سنت بر عدم وجوب آن، در

۱- «لا یلزمه دواء مرض ولا أجرة طبیب و حاجم و نحو ذلک».

مقابل قول اکثر فقها امامیه به وجوب آن است.

ملاحظه می‌شود که هزینه دارو و درمان مهم‌ترین مورد اختلاف فقهای اسلامی در باب نفقه است. در نقد فقهای که نفقه درمان را واجب نمی‌دانند باید پرسید: آیا نفقه درمان زن مصداق واژه «معروف» نیست که در قرآن مجید به آن امر شده است؟ این نکته زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که فقهای اهل سنت در مورد رجوع به شرایط و احوال مرد برای تعیین مقدار نفقه زن به واژه «معروف» در آیات قرآن که مربوط به معاشرت با زنان است، استناد می‌کنند. اگر قرآن کریم دستور داده است که با زنان در حقوق مادی و غیرمادی ایشان به معروف و به نیکی عمل کنید، آیا عرف مردی را که از پرداخت هزینه‌های درمان همسرش خودداری کند، سرزنش نمی‌کند؟

آیا ترک کردن زن بیمار و خودداری از درمان او از مصادیق احسان و معروف است؟ احکام اسلامی در پی تحکیم نظام خانواده می‌باشد، آیا خودداری از درمان زن با اصل مسلم تحکیم نظام خانواده در اسلام منافات ندارد؟

وقتی که فلسفه وجوب نفقه، حفظ حیات و آسایش زن است، آیا نیاز زن به درمان ضروری‌تر از نیاز او به خادم و آلات تنظیف نیست؟ مگر نه این‌که بسیاری از فقها در صورت بیمار بودن زن، معتقدند که مرد باید برای او خادم بگیرد؟ زیرا موجب راحتی و آسایش زن در خانواده می‌شود. آیا درمان زن بیشتر موجب آرامش او می‌شود یا خادم گرفتن برای انجام امور منزل؟

مسئلاً فلسفه وجوب نفقه حفظ آرامش زن است و تأمین آرامش و امنیت زن در شرایط مختلف متفاوت است، به همین دلیل بسیاری از فقهای شیعه مانند صاحب جواهر و امام خمینی (ره) موارد نفقه را منحصر نمی‌کنند و معتقدند در هر مرحله‌ای از زندگی و هر موقعیتی که زوجه در آن باشد باید عرف و عقل مردم جامعه را ملاک قرار داد و اگر عرف حکم کرد به لزوم پرداخت هزینه‌ها، مرد هم بر اساس احکام شرعی موظف است نفقه زن را بپردازد، زیرا به حکم عرف، پرداخت هزینه درمان زن در بسیاری موارد از مصادیق معاشرت به معروف است که خداوند مردان را به آن امر است. این امر موجب

تحکیم خانواده و تأمین یکی از مهم‌ترین اغراض شارع، یعنی حفظ نظام خانواده می‌شود. رعایت نکردن معاشرت به معروف در پرداخت نفقه از سوی زوج در صورتی که موجب ضرر رساندن به زوجه یا اعسار او شود، به او این حق را خواهد داد که به موجب عسر و حرج، از حاکم تقاضای طلاق نماید و بر همین اساس در قانون مدنی که معمولاً از فتاوی‌ای مشهور فقهای امامیه تبعیت می‌کند، ماده ۱۱۲۹ تنظیم شده است: «در صورت استنکاف شوهر از دادن نفقه و عدم امکان اجرای حکم محکمه و الزام او به دادن نفقه، زن می‌تواند برای طلاق به حاکم رجوع کند و حاکم شوهر او را اجبار به طلاق می‌نماید. همچنین است در صورت عجز شوهر از دادن نفقه».

با توجه به مطالب یاد شده می‌توان وجوب پرداخت هزینه درمان زن را در صورت تأیید آن از جانب عرف، ثابت کرد.

یافته‌های پژوهش

۱- هدف غائی در وضع قوانین خانواده، حفظ کیان آن است؛ بدین جهت فقه امامیه مرد را ملزم می‌کند تا به نیکی و با ملاک قرار دادن عرف و احسان با همسرش رفتار کند. در پرداخت نفقه هم مرد ملزم به مراعات عرف است و به نظر می‌رسد ملاک قرار دادن شأن زوجه در تعیین نفقه در مقایسه با ملاک قرار دادن شأن زوج ارجح باشد؛ زیرا حتی اگر زن از خانواده فقیر باشد و مرد از خانواده ثروتمند، معمولاً زوج راضی نمی‌شود زن را در سختی و فقر قرار دهد؛ زیرا نحوه زندگی زن تأثیر قابل توجهی در وجه اجتماعی و آبروی مرد دارد. حال آن‌که اگر در حال غنی بودن زن، به پرداخت نفقه‌ای فقیرانه از سوی مرد اکتفا کنیم، شاید تحمل شرایط جدید زندگی برای زن سخت و ناامیدکننده باشد. البته تقدیر نفقه بر اساس موقعیت زن هرگز به معنای تحمیل بار اضافی بر دوش مرد نیست، تنها باقی‌مانده نفقه به عنوان دینی بر ذمه مرد باقی می‌ماند و این خود در بالا بردن قدرت تحمل زن تأثیر خواهد داشت.

این نحوه قوانین و وضع ملاکات، هرگز موجب سست شدن پایه‌های زندگی زن‌شویی نخواهد شد؛ زیرا در این شرایط که مرد به دلیل فقر، قدرت پرداخت تمام نفقه زن را

ندارد، زوجه حق فسخ نکاح را نخواهد داشت. هدف غایی تمام احکام حفظ نظام خانواده است، به همین دلیل، فقهای امامیه در حال اعسار زوج اجازه فسخ نکاح را به زن نمی‌دهند. علاوه بر این، قوانین موجود به مرد احساس آرامش و انگیزه می‌دهد که بیشتر کار کند و زن هم از جایگاه خودش مطمئن باشد و با آرامش بیشتری محیط خانه را برای رشد و تعالی همسر و فرزندانش آماده کند. تحمل سختی‌ها و صبر در نظام خانواده، تنها بر یک جنس تحمیل نمی‌شود، بلکه زن و شوهر هر دو موظفند در شرایطی از برخی منافع خود چشم‌پوشی کنند تا به منافع عالی‌تری دست یابند.

البته اسلام هرگز در پی تحمیل ضرر بر افراد نیست و هر چند مجرد اعسار زوج از پرداخت نفقه سبب فسخ نکاح نیست، اما در صورت ایجاد عسر و حرج و ضرر برای زوجه، او می‌تواند به موجب عسر و حرج، از حاکم تقاضای طلاق نماید.

۲- نگاه حمایتی در فقه شیعه بسیار بارزتر و روشن‌تر از حمایت فقه اهل تسنن از زن است. در فقه امامیه زن در حال بیماری باری بر دوش مرد به حساب نمی‌آید و مرد بر اساس عرف موجود موظف است اقدام به درمان همسرش کند، در حالی‌که هیچ‌یک از فقهای اهل سنت چنین فتوایی در مورد بیماری زن نداده‌اند و زن باید از اموال خودش یا اموال پدرش درمان شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

- ✓ قرآن کریم
- ✓ ابن بلبان، محمد بن بدرالدین، *أخصر المختصرات فى الفقه على مذهب الامام احمد بن حنبل*، بیروت، دار البشائر الاسلامیه، ۱۴۲۱هـ، چاپ دوم
- ✓ ابن تراب، مریم، «*مبانى فقهی نفعه و هزینة دارو و درمان*»، ندای صادق، دانشگاه امام صادق(ع)، بهار و تابستان ۱۳۸۷، شماره ۴۸
- ✓ بغا، مصطفی، مصطفی الخن و الشریجی، علی، *الفقه المنهجی على مذهب الامام الشافعی*، دمشق، دار القلم، ۱۴۲۱هـ، چاپ چهارم
- ✓ جزیری، عبدالرحمن، *الفقه على المذاهب الاربعه و مذهب اهل البيت عليهم السلام*، بیروت، دار الثقلین، ۱۴۱۹هـ، چاپ اول
- ✓ حلّی، مقداد بن عبدالله، *کنز العرفان فى فقه القرآن*، انتشارات مرتضوی، قم، چاپ ایران، اول، ۱۴۲۵هـ
- ✓ جبعی عاملی، زین الدین بن علی، *مسالك الافهام إلى تفهیم شرایع الاسلام*، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳هـ، چاپ اول
- ✓ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فى غریب القرآن*، بیروت، دارالعلم، ۱۴۱۲هـ، چاپ اول
- ✓ شققه، محمد بشیر، *الفقه المالکی فى ثوبه الجدید*، دمشق، دارالقلم، ۱۴۲۲هـ، چاپ دوم
- ✓ شلبی، محمد مصطفی، *احکام الاسره فى الاسلام*، بیروت، دارالنهضة العربیه، ۱۳۹۳هـ، چاپ اول
- ✓ صاغرچی، اسعد محمد سعید، *فقه الحنفی و ادلته*، دمشق، دارالکلم الطیب، ۱۴۲۶هـ، چاپ چهارم
- ✓ طباطبایی حکیم، سید محسن، *منهاج الصالحین*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۰هـ، چاپ اول

- ✓ طوسی، محمد بن حسن، *الخلافة*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷هـ، چاپ اول
- ✓ _____، *المبسوط فی فقه الإمامیه*، تهران، المكتبة المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۷هـ، چاپ سوم
- ✓ فراهیدی، خلیل بن احمد، *کتاب العین*، قم، هجرت، ۱۴۱۰هـ، چاپ دوم
- ✓ فیض کاشانی، محمد محسن، *مفاتیح الشرایع*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا
- ✓ قرشی، علی اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲هـ، چاپ ششم
- ✓ کلینی، محمد بن یعقوب، *اصول کافی*، دارالکتب الإسلامیه، تهران، ۱۴۰۷هـ، چاپ چهارم
- ✓ حلّی، جعفر بن حسن، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۸هـ، چاپ دوم
- ✓ مشکوه، سید حمید، «*فقه زن*»، مجله کاوشی نو در فقه اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳، شماره ۱۶
- ✓ مغنیه، محمد جواد، *الفقه علی المذاهب الخمسه*، بیروت، دارالتیاریت جدید و دارالجواد، ۱۴۲۱هـ، چاپ دهم
- ✓ موسوی خمینی، روح الله، *تحریر الوسیله*، قم، مؤسسه دارالعلم، بی‌تا، چاپ اول
- ✓ موسوی خویی، سید ابوالقاسم، *منهاج الصالحین*، قم، مدینه العلم، ۱۴۱۰هـ، چاپ بیست و هشتم
- ✓ مهیار، رضا، *فرهنگ ابجدی عربی - فارسی*، بی‌جا، بی‌تا
- ✓ نجفی، محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی‌تا، چاپ هفتم
- ✓ <http://www.aproarab.org/Down/Egypt>